

زانکه با زاغ و زغن شهپر دولت نبود

بزرگانی در روزگاری گفته بودند که " تاریخ هرگز به عقب بر نمیگردد " و رانش که ما هم همین اعتقاد را داشتیم و میگفتیم آنچه از نظر تاریخی بگذرد، دیگر به تکرار نخواهد پیوست. نیز میگفتیم که جریان تاریخ، آب دریای خروشان را ماند که بی توقف به پیش می تازد و هرگز بر نمیگردد.

اما با درد و دریغ فراوان که گویا رویداد های تاریخی در کشور ما تمزده ما (افغانستان) سیردگری و آهنگ متفاوتی دارد.

صد سال قبل از امروز بود که شاه جوان و ترقیخواه افغانستان (اعلیحضرت امان الله خان) خواست گندی و عقب مانی و اسارت خواهی اسلافش را محکوم کند و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را برای آینده بهتر مردمش براه اندازد.

از زمره مجموع اصلاحات مورد نظر دران زمان، یکی هم اعاده حقوق انسانی و اجتماعی زنان افغانستان و دیگری اعطای آزادیهای اندیشه و بیان و رعایت حقوق بشر بود. ولی متأسفانه در همان صد سال پیش، عده بی از ملاحی جهالت پرور ، سیاسیون روحانیون نما و ریزه خواران خوان استعمار هند برتانوی، با ژست ها و تبلیغات و اقدامات تحریک آمیز شان، در برابر اصلاحات انسانی بی که در جهت رفاه عامه به راه انداخته شده بود، ایستادند تا آنکه شاه و اصلاحاتش را کنار زده و اگر با خوشخدمتی به اربابان استعماری شان ، کشور عزیز ما را سالها از کاروان پیشرفت و ترقی عقب نگهداشتند، لعن خلق و نفرین ابدی تاریخ را نیز برای خویشان کمایی نمودند.

امروز نیز پس از یکصد سال واندی ، سوگمندان می بینیم که میراث خوران استعمار و پیروان کوردل و سیه کردار ملا های لنگ (ملای لنگ) ، قاضی عبدالرحمن ها، صادق مجددی ها، ملک محسن ها ، نادرها و هاشم ها و امثالهم ، یکبار دیگر بیرق کهنه ارتجاعی و دشمنی با حقوق زن و حقوق بشر را از یکسو و آزادی مطبوعات را از سوی دیگر بر افراشته اند، بدون آنکه اندکترین شرم و حیا در برابر ملت غمزده ، جریان تاریخ و قافله ترقی بشر احساس نمایند.

اینبار این کور دلان مذهب پناه و پیروان دیو ظلمت و عقبگرایی از درون پارلمان و با استفاده از کرسی، امتیاز و تریبون این مرجع رسمی سر بر آورده و بسوی هرچه پدیده انسانی و بهروزی است، لجن می پراکنند که یکی از این ظلمت پناهان روزگار ما، شخص متعصبی بنام " خواصی " است که با کوله باری از جرم و جنایت حزبی اش، متأسفانه با خرید کارت های رأی مردم پروان به مجلس شورا ره گشوده است .

چرا " خواصی " خودش را در این اواخر به در و دیوار زده میخوهد در برابر رسانه های آزاد، گویا " جهاد " اعلان کند ؟ چرا " خواصی " های دیگر که تا گلو در لجن تعصب مذهبی و اندیشه های تیره و تار ضد زن، ضد آزادی و ضد ترقی غرق هستند، قانون منع خشونت علیه زنان را " غیردینی " و " غیر شرعی " می پندارند ؟

به اعتقاد ما، این عناصر عقبگرایی علم ستیز، علاوه از طرز تفکر پوسیده و آماسیده شان، مادامکه می بینند اربابان امریکایی و انگلیسی آنها اخیراً با گروه تروریستی طالبان چنان گرم گرفته اند که دفتر مجلل و مفشنی برای آنها در شیخ نشین قطر گشوده و بیرق " امارت اسلامی " را در آنجا برافراشته اند، وقتی میدانند که امریکا عنقریب برای این گروه متحجر در داخل افغانستان نیز جا ، مقام و حیثیت سیاسی قایل میشوند، عناصر ارتجاعی مانند " خواصی " ها میخوانند جاده را قبل از استقرار مجدد امارت منفور طالبی در افغانستان، برای " برادران " خویش هموار سازند تا هم خود، (ولو با ننگین ترین وجهی) بقای سیاسی داشته باشند و هم برای همفکران و همقماشان طالبی و تروریستی شان اعلام دارند که " آهای برادران هم عقیده و هم مسلک ما ! ما همه از خودیم ، نه در گذشته ها اختلافی داشتیم و نه در آینده مخالفتی خواهیم داشت، ما اینجا بیایم تا قبل از تشریف آوری شما، موانع ضد طالبی را از میان بر میداریم و برایتان مصدر خدمتگزاری شرعی میشویم ! "

بلی ! اینهم یکی دیگر از مصیبت ها ، بد شانسی ها و عقبگرد های دردناک تاریخی ملت دردمند افغانستان است که در عصر ساینس و تکنالوژی بشر واقع میشود .

هرگاه چنین نیست که گفته آمد، آیا همین رسانه ها ظرف یازده سال گذشته در افغانستان فعال نبودند؟ آیا قانون " منع خشونت علیه زنان " از سوی رییس جمهور توشیح نشده بود؟ آیا " خواصی " و خواصی ها در طول همین مدت، از امتیازات مالی و سیاسی نظام موجود و با پذیرش مواد قانون اساسی، استفاده

نکرده اند؟ چرا " برادرخواصی " ظرف این مدت صدایش را بلند نکرد که حالا تازه جنبیده و خودش را به در و دیوار می کوبد؟ آیا جز خوشخدمتی به گروه تروریستی طالبان و تلاش در راه بقا سیاسی اش، مقصد دیگری خواهد داشت؟ به آرزوی روزی که دامان مادر میهن از لوٹ این تفاله های ننگین و ارتجاعی پاک گردد. (پایان)